

بررسی نظری و تجربی کنش‌های نوع‌دوستانه

دکتر علی شکوری*

چکیده

این مقاله ماهیت کنش‌های نوع‌دوستانه، عوامل مؤثر در بروز این کنش‌ها و همچنین جهت آنها را از دیدگاه نظری و تجربی مورد بررسی قرار می‌دهد. با الهام از مباحث نظری، استدلال می‌شود که رفتارهای نوع‌دوستانه بیش از همه‌ی آنها دارای ماهیتی هدفمند هستند و به تبع آن از عوامل متعدد در هم تنیده‌ی روانی، فردی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و تفاوت‌هایی شناختی، شخصیتی، مادی به همراه محیط‌های اجتماعی از قبیل نهادهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌ها در بروز آنها مؤثر است. با توجه به این مشخصه‌ها، این مقاله، این نوع رفتارها را در قالب کنش‌های مدلل مورد تحلیل و تفحص قرار می‌دهد.

از نتایج یافته‌های تجربی استنتاج می‌شود که برخلاف تصور مرسوم، این کنش‌ها چندان از متأثرهای فردی چون جنس، تاهل، سن نیست. عواملی چون آگاهی و اطمینان از مشکلات مردم و شرایط جامعه، «اعتقاد به مؤثر بودن کمک‌ها در رفع مشکلات دیگران» و عدم وجود جایگزین دیگر به جز کمک خود پاسخگویان، «باور به عدم توان پوشش نهادهای رسمی حمایتی و خیرخواهانه برای رفع فقر» و «امکان عملی (مادی) پاسخگویان برای کمک» و همچنین «موقعیت‌های برانگیزاننده احساسات و عواطف» بیشترین تأثیر را در بروز رفتارهای نوع‌دوستانه دارد.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی

این رفتارها دارای ماهیت ارادی و داوطلبانه هستند که با انگیزه‌های نوع دوستانه با خصایص ایثارگرانه، خالصانه رخ می‌دهند و در میان افراد تحصیلکرده و در جاهای توسعه یافته‌تر جهت‌گیری کنش‌ها بیشتر به عام‌گرایی یعنی با نیت و انگیزه کمک به انسان به صورت کل و نه انسان خاص (هم محل، هم آسین و...) گرایش دارد.

کلمات کلیدی: کنش مشارکتی، کمک‌رسانی، دگرخواهی، نوع‌دوستی، عام‌گرایی.

مقدمه

این که چرا افراد به دیگر هم‌نوعان کمک می‌کنند، هر چند سؤالی ساده می‌نماید، ولی پاسخ(های) ساده‌ای را به دنبال ندارد. به همین سبب، این نوع کنش‌ها یکی از مباحثی بوده که پیوسته توجه محققان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاست‌گذاران را به خود مشغول داشته است. این توجه به دلایل زیر مهم تلقی شده است:

نخست این که، کنش‌های انسان‌دوستانه به خاطر پیامدهایی که در ایجاد و دوام نظم اجتماعی دارد، مورد توجه قرار گرفته است. هسته‌ی اصلی نظم اجتماعی را انسجام و اعتماد اجتماعی تشکیل می‌دهند که در دو سطح مطرح می‌شود. در سطح خرد، ایجاد حداقل هم‌فکری، درک مشترک، همدلی متقابل، احساس تعلق مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را تشکیل می‌دهند. اساس التزامات یاد شده نیز در نفع مشترک است که ریشه در نیازهای عام انسانی دارد. تأمین این نیازها تنها با مشارکت افراد با جمع میسر است. همان‌گونه که برخی صاحب‌نظران از جمله الستر (۱۹۹۰) اظهار می‌دارد، اساساً تشریک مساعی بین کنشگران، خود عامل ایجاد مازاد تعاونی^۱ است، مازادی که در صورت ایجاد و توسعه‌ی آن، همه کم و بیش از آن بهره می‌برند و

در صورت نبود یا ضعف آن، انواع آنومی‌ها و روابط ابهام‌آمیز میان افراد گریبان‌گیر جامعه می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۰-۲۱)؛ از این رو همه متضرر می‌شوند. در سطح کلان، مسایل نظم اجتماعی به تعاملات میان گروهی مربوط می‌شود، به ویژه آنجا که این تعاملات در زمینه‌ی کمک به دیگران مطرح می‌شود، اسباب گسترش حوزه اخلاقی، تعمیم وابستگی عاطفی افراد و تعمیم تعهد درونی افراد به دیگران را فراهم و امکان ادخال اجتماعی را تسهیل می‌کند. در جوامع معاصر که شاهد گروه‌بندی اجتماعی و تکثر گروهی بوده‌اند، به همان نسبت مسأله‌ی ادخال برای اجتماع و جامعه اهمیت خاص پیدا می‌کند. به همین ترتیب، جوامع معاصر نیازمند مناسبات عاطفی بسط یافته است که بر تعهد تعمیم یافته و عام‌گرایی مبتنی است. به واسطه‌ی این که این نوع روابط حامل ارزش درونی و مصرفی است، باعث توالی و تداوم تعاملات می‌شود، از این رو دارای مشخصه‌ی پیونددهندگی و سنگ بنای اجتماع و یا گروه اجتماعی است.

دوم، ارزش ذاتی این گونه روابط انسانی و به ویژه پیامدهایی است که در مناسبات انسانی ارزشمند نمود پیدا می‌کند. به واسطه‌ی این که کنش‌های نوع دوستانه، موجبات توسعه‌ی مناسبات تعاونی اصیل را در جامعه فراهم می‌آورد، به تحقق شرایط عینی افزایش مودت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی کمک شایانی می‌رساند. گفته می‌شود که به هر اندازه روابط همیاری و امدادرسانی داوطلبانه در زمینه‌های مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همسرداری)، معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزه‌های اجتماعی و مذهبی) و منزلتی (اعاده‌ی عزت نفس انسانی) بالا باشد، به همان میزان نابرابری اجتماعی و مطرودیت و سایر اختلالات اجتماعی کاهش می‌یابد. (چلبی، ۱۳۷۵)

سوم این که، حمایت از هم‌نوع ویژگی عام تمامی جوامع در طول تاریخ اعم از سنتی و جدید بوده ولی نکته قابل این که وجود تفاوت‌ها در میزان مشارکت افراد در کمک به هم‌نوعان بر حسب افراد، گروه‌های مختلف و جوامع گوناگون

است. به طوری که این امور به یکسان، افراد را متوجه خود نمی‌سازد. نکته مهم‌تر این که هم‌زمان با تحولات جوامع از شکل سنتی به مدرن، جهت‌گیری‌های کنش‌های نوع دوستانه افراد تغییر کرده است و حتی گاهی جوامع با فقدان علاقه و بی‌میلی به این نوع امور اجتماعی و روندهای آن مواجه شده است. به عبارتی می‌توان گفت که این نوع کنش‌ها از روند منظمی پیروی نکرده است. با توجه به این مشخصه‌ها، ماهیت این رفتارها پیوسته صاحب‌نظران و پژوهشگران را دچار دغدغه کرده است. این که این رفتارها دارای چه ماهیت و جهت‌گیری است؟ متأثر از چه عوامل و انگیزه‌های است؟ پرسش‌هایی هستند که این مقاله با بررسی نظریات و دیدگاه‌های مختلف به همراه ارایه نتیجه یک کار تحقیقی میدانی به آنها پاسخ می‌دهد.

مباحث در سه بخش ارایه می‌شود در بخش نخست، تبیین‌های نظری در ارتباط با موضوع مورد مطالعه از زوایای مختلف مرور می‌شود. در بخش دوم، نتایج پژوهش تجربی در دو قسمت مشتمل بر روش‌شناسی و مهم‌ترین یافته‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش پایانی، خلاصه و نتیجه ارایه خواهد شد.

۱- تبیین‌های نظری

تعابیر مختلفی در ارتباط با طبیعت رفتارهای نوع دوستانه ی افراد بویژه در مورد اقدامات نیکوخواهانه هست. برخی تعابیر را به عنوان انگیزه و حالتی درونی نگرینند و برخی دیگر را به عنوان تظاهرات رفتاری نگاه کردند و یک پیامد ذهنی کسب شده تعبیر کردند. این تعابیر دوگانه، نقطه آغازین تفاوت تمایز روش‌شناختی میان طرفداران اصالت فرد و طرفداران اصالت جمع است که در تبیین رفتارهای افراد، طیفی را تشکیل می‌دهند که در یک سو تأکید بر جنبه‌های فردی و شخصیتی (روانشناختی، زیستی) و از سوی دیگر تأکید بر جنبه‌های فرافردی (جامعه‌شناختی) قرار دارند.

بر اساس رویکرد رفتاری (غیر انگیزشی)، دگرخواهی صرفاً به عقاید واقعی ارایه کنندگان کمک توجه می‌کند. از این منظر، کنش خیرخواهانه بر اساس پیامدهایش سنجیده می‌شود، اگر نتایج بتواند تا حدی نیازهای دیگران را برآورده یا به آنها کمک کند تا چیزهای دیگر را به دست آورند، این به عنوان دگرخواهی انسان‌گرایانه تلقی می‌شود. برخی بر این باورند که نوع دوستی عنصر فداکاری را در کنه خود دارد، اما واضح است در رفتار کمک‌رسانی به دیگران بیش از عنصر فداکاری، مسؤلیت و دغدغه خاطر برای دیگران مطرح می‌شود که این عناصر، هنجارهای اجتماعی را در جامعه منعکس می‌سازند و فرض بر اینست که این نوع رفتارها برای ارتباط و پیوند ضروری است (پی‌جی، ۱۹۹۶، ۱۱).

بخش عمده‌ای از نظریات مربوط به نوع دوستی سعی دارند تا فرآیندهایی را که سبب می‌شود افراد در موقعیت یا موقعیت‌هایی به یکدیگر کمک کنند و فراتر از منافع خود در جهت منافع عام (دیگران) تلاش کنند، مورد تبیین قرار دهند. در اینجا، به برخی از آنها در قالب نظریات و دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱- نظریه فطرت

برخی علما بر ویژگی ذاتی و فطری بودن نوع دوستی تأکید دارند که در طی فرآیند رشد افراد، روند تکاملی خود را طی کرده است. انسان در اجتماع و در زندگی اجتماعی شانس بیشتری برای ادامه حیات پیدا می‌کند، یعنی همکاری و مشارکت با دیگر افراد اجتماع بخت بهتری برای بقا به دست می‌دهد (کمبل، ۱۹۶۵). نکته اتکاء هواداران این نظریه، اعمال نوع دوستی کودکان در دو سال اول زندگی خود مانند غذا دادن به دیگران و امثالهم است که در طی زندگی تکامل می‌یابد. (کیگان، ۱۹۹۸)

۳-۱- نظریه اکتسابی

در مقابل فطری‌گرایان، عده‌ای بر خصلت اکتسابی نوع دوستی از طریق مشاهده اعمال نوع دوستانه و امدادگرانه دیگران اشاره می‌کنند. (آرتوفیر، ۱۹۷۰) تقلید رفتار والدین خصوصاً رفتارهای اهداء کمک به نیازمندان و یا تشویق

کودکان در هنگام کمک به والدین در وهله‌ی نخست نقش مهمی در تکرار رفتار کمک‌رسانی افراد در بزرگسالی دارد. در این میان، برخی نیز اظهار داشتند این نوع رفتارها ذاتی است، ولی یادگیری در میزان آن تأثیر به‌سزایی دارد.

۴-۱- نظریه بیولوژیکی و بیولوژیکی - اجتماعی

در کنار نظریات فوق، نظریات «بیولوژیکی» و «بیولوژیکی - اجتماعی» قرار دارد. این نظریات تا حد زیادی مباحثی مشابه با دیدگاه‌های فوق را در زوایای متفاوت مطرح می‌کنند. بر اساس نظریه بیولوژیکی، اساس هستی بر بقاء ژن‌ها استوار است. این ژن‌ها هستند که ما را به سوی شرایطی از جمله رفتارهای انسان‌دوستانه هدایت می‌کنند که در آن شرایط، بیشترین شانس را برای بقاء در جهان داریم.

آنها مردم را برای ادامه حیات آماده می‌سازند تا درست عمل کنند و توانمند باشند و در صورتی که ضعیف باشند از حرکت باز می‌ایستند. (مایرز، ۱۹۹۸). قابل ذکر است هرگز مکانیزم و یا مکانیزم‌هایی که باعث می‌شود ژن‌ها عامل بروز رفتارهای نوع‌دوستی بشوند، مشخص نشده است. با این حال ژن‌ها در بروز ویژگی‌های تمام افراد یک خانواده، یا فامیل مهمند و هر یک از آنها به نوعی از نظر ژنی مشابه هستند. ارتباط ژنتیک یکی از عواملی است که سبب می‌شود خویشاوندان از هم حمایت کنند. مکمل این نظریه‌ی ژنتیک نظریه زیستی - اجتماعی است که به عوامل اجتماعی نیز در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه بها می‌دهد. مطابق این نظریه افراد مشابه به لحاظ زیستی - اجتماعی دارای رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتری به یکدیگر خواهند بود. ابتدا به افراد خانواده و سپس به دوستان و نزدیکان دیگر کمک می‌شود. اساساً در این نظریه نفع متقابل را می‌توان مطرح کرد که در خویشاوندان و نزدیکان احتمال کمک اعضا به یکدیگر بیشتر است. (کمبل، ۱۹۸۸) هر چند دیدگاه بیولوژیکی یا زیستی - بیولوژیکی در امدادسانی دارای جایگاه مهمند ولی ناقص و قابل نقد هستند.

برای این که متغیرهای دیگری هستند که نقش به سزایی در کمک متقابل ایفا می کنند که قابل تحویل به مسایل ژنتیکی نیستند. مانند قوانین اخلاقی و مذهب، دین مشترک و... به علاوه در رفتارهای نوع دوستانه لزوماً افراد به هم ژن ها و اقوام کمک نمی کنند.

۵-۱- نظریه مبادله

بخش عمده ای از مطالعات و دیدگاه ها در مورد نوع دوستی در چارچوب روانشناختی اجتماعی قرار می گیرند و مطالعات انجام شده در این زمینه طیف نسبتاً وسیعی از متغیرها را دربرمی گیرد؛ یکی از نظریات مهمی که در چارچوب روانشناختی اجتماعی به تحلیل رفتار اجتماعی افراد پرداخته نظریه مبادله ای اجتماعی است. به زعم تئوری پردازان مکتب مبادله بسیاری از رفتارهای انسانی از جمله اعمال خیرخواهانه در چارچوب مبادلات انسانی قابل تحلیل هستند. در روابط بین انسان ها همان گونه که مادیات رد و بدل می شوند، فرآیندهایی نظیر دوستی ها، علایق اجتماعی نیز با یکدیگر مبادله می شوند. (مایر، ۱۹۸۸) این تئوری پردازان با توجه به چارچوب تئوریک این مکتب، به کسب بیشتر پاداش در مقابل کمترین هزینه^۲ اشاره می کنند. انسان ها سعی می کنند در مناسبات خود پاداش بیشتری را به دست آورند، یعنی بیش از آنچه هدیه می کنند. در واقع چنین انگیزه ای آنها را به سوی کمک به دیگران سوق می دهد. این رویکرد هر چند برخی انگیزه های کمک به هم نوع را تبیین می کند که به ویژه قصد بهره گیری بیشتر (عمدتاً مادی) را در قابل اقدامات نیکوخواهانه خود با تظاهر و مبالغه در این امور را دارند، ولی بخش قابل توجهی از کنش های خالصانه را توضیح نمی دهند. به همین خاطر، برخی علمای اجتماعی با تحلیل دقیق تر، مبادلات مذکور را در چارچوب مبادله نامتقارن و مبادله متقارن گرم مورد بحث قرار می دهند. مبادله نامتقارن انتشاری و عاطفی است. در این مبادله طرفین نسبت به

1 - Reward

2 - Cost

یکدیگر احساس مثبت دارند. ایناز، دگرخواهانه، بخشش یا به تعبیری «هدیه»، ناب از مظاهر برجسته این نوع مبادله محسوب می‌شود. غالباً انتظار جبران یا برگشت از طرف مقابل وجود ندارد. برگشت تنها از نوع نفع جانشینی و یا رضایت جانشینی است که در مقبولات ایشاز و فداکاری تبلور می‌یابد و در گروه‌های اولیه دولت (همسایگی و خانواده) یا جوامع نسبتاً مساوات‌طلب که تمایزپذیری اجتماعی و اقتصادی را تجربه نکرده‌اند، قابل مشاهده است (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۲۸). در مبادله متقارن گروه رفاه و نفع طرفین مورد توجه طرفین است. طرفین به سعادت و رفاه حال یکدیگر علاقه دارند (همان). منشاء این احترام متقابل و توجه به حال دیگری و بنا یکدیگر در همفکری، همدلی و اعتماد، انگیزه‌های نوع دوستی صادقانه و حقیقی است. (همان، بارون و بایرن، ۱۹۸۷) این نوع مبادله بیشتر در جوامع تفکیک یافته مدرن معاصر می‌توان ملاحظه کرد. نکته‌ی قابل ذکر در تبیین‌های روانشناختی اجتماعی و زیستی اینست که آنها اغلب متغیرهای ساختی را در تحلیل فراموش می‌کنند و در مورد کنش‌های دگرخواهانه همانند کمک‌رسانی در موارد اضطراری و وقایع ویژه‌ی مورد تحویل و تبیین قرار نمی‌دهند و بشادرت آنها را در متن اجتماعی وسیع‌تر زندگی کنشگران تحویل می‌کنند. علی‌رغم این که روانشناسان اجتماعی کنش‌های نوع دوستانه را در یک متن تعاملی می‌بینند و نسبت به روانشناسان آنها را در حوزه وسیع‌تری بررسی می‌کنند. با این وجود عوامل خسارچی و اجتماعی مانند نظرات‌های فرهنگی و شرایط ساختاری در ارتباط با رفتار اجتماعی، نقش اندکی در بررسی‌ها ایفاء می‌کند. تحلیل‌های جامعه‌شناختی سعی کردند برخی خلاءهای موجود در تحلیل‌های بیولوژیکی، روانشناسی و روانشناسی اجتماعی را از طریق طرح مفاهیمی چون هنجارهای اجتماعی، مسؤولیت اجتماعی، هویت جمعی، ارزش‌های اجتماعی، مسؤولیت شهروندی ... پر کنند.

۱-۶- نظریات مبتنی بر بی‌تفاوتی اجتماعی و سیاسی: عوامل کاهنده مشارکت در امور جمعی

۱-۶-۱- از خودبیگانگی اجتماعی

از خود بیگانگی اجتماعی مفهومی روانشناختی - اجتماعی است که به منظور تبیین انفصال، کناره‌گیری و عده تمایل به مشارکت اجتماعی - سیاسی و یا صورت آسیب‌شناختی مشارکت اجتماعی به کار رفته است.

واژه بیگانگی برای اولین بار توسط هگل و سپس توسط مارکس و دیگران به کار رفت. هسته‌ی اصلی مفهوم بیگانگی اشاره به احساس بی‌قدرتی^۱ است که انسان کنترل خود را بر حوادث، رخدادها، اشیاء و سازمان‌هایی مرتبط با سرنوشت خود، از دست می‌دهد و انسان خلاق و سازنده مبدل به موجودی می‌شود که دیگران او را کنترل می‌کنند.

مارکس در آثار خود می‌نویسد: «جدداً افتادگی در این حقیقت نمایان می‌شود که وسایل زندگی من متعلق به دیگری و آرزوهای من، ثروت و دارای غیرقابل دسترسی دیگری است. مهم‌تر از آن در این حقیقت که همه چیزها غیر از خود هستند و این که فعالیت نیز چیزی غیر از خودش است و سرانجام این که قدرتی غیر انسانی بر همه چیز و همه کس از جمله خود سرمایه‌داران، حاکم است.» (کارل مارکس، ۱۳۷۳). زیمل جامعه‌شناس آلمانی به مفهوم از خودبیگانگی و بی‌قدرتی بیشتر از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌نگرد. وی در مقاله‌ی مشهور خود تحت عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی» می‌نویسد: «پیچیده‌ترین مسایل زندگی مدرن از مقابله فرد با نیروهای جمعی و تاریخی برمی‌خیزد.» (علوی‌تبار، ۱۳۷۹، ۴۲) مسأله‌ی مهم در رابطه با کنش مشارکتی دگرخواهانه اینست که بیگانگی و صدور مختلف آن معمولاً به بی‌تفاوتی منجر می‌شود، به ویژه آنجا که فرد از فعالیت‌های اجتماعی احساس خشنودی نمی‌کند.

1 - Social Alienation

2 - Powerlessness

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برخی عالمان اجتماعی از قبیل سیمن، روتسر و لیونتیبا بر بعاد روانشناختی از خودبیگانگی بیش از بعاد دیگر (ساخت اجتماعی) تأکید کردند. برای مثال سیمن در ارتباط با مؤلفه‌های آن می‌نویسد که بی‌قدرتی، نوعی بیگانگی است که در آن فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی که در آن کنش متقابل دارد نمی‌تواند تأثیر بگذارد. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ۳۴)

با عنایت به دیدگاه‌های فوق‌الذکر می‌توان گفت که (از خود) بیگانگی اجتماعی، وضعیتی است که در آن فرد در فعالیت‌های اجتماعی من‌جمنه اقدامات نوع دوستانه احساس رضایت نمی‌کند. این رضایت به این مفهوم است که فرد از انجام وظیفه شهروندی یا احساس تعلق به اجتماع رضایتمندی احساس نمی‌کند. مثلاً فرد از مشارکت در پروژه‌ای با سازمانی احساس خشنودی نمی‌کند و فکر می‌کند عملاً نمی‌تواند تعیین‌کننده اهداف مورد نظر و یا اعلام شده باشد و یا در امور خیریه، فردی ممکن است احساس مسؤلیت کند. ولی کمک و حمایت از طریق مؤسسات رسمی را بی‌فایده تلقی کند.

۱-۶-۲ تقدیرگرایی^۱

تقدیرگرایی به باورهایی گفته می‌شود که امور و رخدادها، وراثی اراده‌ی انسان و توسط نیروهای مافوق طبیعی تعیین می‌گردد و انسان‌ها در شکل‌گیری آنها نمی‌توانند نقشی ایفا کنند. واضح است که تقدیرگرایی مفهومی روانشناختی و اجتماعی است و بیشتر به مفاهیمی چون کنترل و بی‌قدرتی که در بالا بحث شد، نزدیک می‌شود. تبیین‌هایی که از سوی افرادی چون کلی و برین لینگر در ارتباط با کنترل درونی و بیرونی رویدادها و برای تحلیل عمل جمعی به کار می‌رود می‌تواند به بحث و تحلیل بیشتر این مقوله مشارکت کند. به نظر آنها دو دسته تحلیل قابل تفکیک هستند:

دسته اول تحلیل‌هایی هستند که به سطح فردی اشاره دارند و ویژگی‌های شخصیتی افراد و فرآیندهای تصمیم‌گیری را که منجر به شرکت یا عدم شرکت در کنش جمعی می‌شوند، تبیین می‌نمایند.

دسته دوم تحلیل‌هایی هستند که در سطح گروه قرار دارند. در این دسته زمینه‌ها و ترکیب‌های بین گروهی به عنوان زمینه‌هایی که مانع یا تسهیل‌کننده‌ی درگیری در کنش جمعی می‌شوند، مورد تفحص قرار می‌گیرد.

این علما با انتخاب تحلیل از دسته‌ی اول یعنی تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی، اظهار می‌دارند که موقعیت کنترل یک انتظام تعمیم یافته است که مربوط به اعتقاد افراد مبنی بر مؤثر بودن کنش‌هایشان برای نیل و دستیابی به اهداف مطلوب است. افراد زمانی که دارای موقعیت کنترل درونی هستند وقایع را به عنوان پیامد کنش‌های خودشان و تحت کنترل شخصی تلقی کنند و برعکس زمانی که افراد دارای موقعیت کنترل بیرونی هستند، تمایل دارند که رویدادها را بسی ارتباط با کوشش‌های فردی و ورای کنترل شخصی خود تحلیل کنند.

هر چند نظریه‌هایی چون از خودبینی‌گرایی و تقدیرگرایی به برخی از عوامل مهم و تأثیرگذار در کنش مشارکتی افراد (در حمایت از هم‌نوع) اشاره دارند، ولی همان طوری که بررسی‌های تجربی ما نیز نشان می‌دهد، این مفاهیم بخشی از موضوع مورد بررسی را توضیح می‌دهند، متغیرهای دیگری هستند که برای تبیین موضوع مشارکت افراد در امور عام‌المنفعه بایستی در نظر گرفته شوند.

۱-۷- نظریات اجتماعی: هنجارهای مسؤلیت اجتماعی و تعهد شهروندی

به نظر گودنر (۱۹۶۰)، همه جزاء کلی رمزهای اخلاقی ریشه در هنجارهای متقابل دارد. این هنجارها کلی و عام هستند و همه آن را می‌پذیرند مانند قتل شخص یا دزدی. با توجه به این دیدگاه کمک هم‌نوع به هم‌نوع یک هنجار اجتماعی است و افراد بر اساس قرارداد اجتماعی به همدیگر کمک می‌کنند. (مایر، ۱۹۸۸، شوتلند و استین، ۱۹۸۵) هنجارهای مسؤلیت اجتماعی درخصوص کمک به هم‌نوعان یا مشارکت در امور خیرخواهانه غالباً با این

موضوع مرتبط است که موقعیت نامساعد ناشی از شرایط یا عواملی است که خارج از کنترل و اختیار مددجو است و افراد نیازمند، بر اساس آگاهی و شناخت باعث بروز مشکلات شده‌اند. (واینر، ۱۹۸۰، گارد، ۱۹۷۸، مورنو، کارود، ۱۹۸۰) برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی به اهداف وسیع‌تر و انتزاعی‌تر اشاره می‌کنند. بر اساس آنها، کمک‌رسانی و رفتار نوع دوستانه یک ارزش نمادین تلقی می‌شود و از آن جا که نوع دوستی به عنوان منبعی برای اتکاء مردم در جامعه به شمار می‌رود، بالطبع یک ارزش اجتماعی است. ارزش‌های نیکوخواهانه بنیان‌های رفتاری را شکل می‌دهند که دوستی و الفت را میان شهروندان تقویت می‌کند. شهروند به نوبه‌ی خود وظیفه‌ای دینی اخلاقی احساس می‌کند و متعهد به ارتقاء خیر مشترک (همگانی) است. بدین ترتیب کل روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (میلر، ۱۹۹۶، ۲۶)

بین نوع دوستی‌ها بعد عاطفی مورد نیاز را برای تشکیل هویت‌های جمعی تقویت می‌کند که به نوبه‌ی خود زمینه‌ی گسترش رفتارهای انسان‌گرایانه می‌شود که مبتنی بر منافع عام و نه مبتنی بر تشکلهای درون گروهی (از قبیل خویشاوندی، قومی) نیست. (زکایی، ۱۹۹۸، ۱۸-۲۰). این تفاسیر رفتارهای نیکوخواهانه را با مفهوم شهروندی و سرمایه اجتماعی مرتبط می‌کند. بر اساس نظریه شهروندی رفتارهای نوع دوستانه بیشتر مبتنی بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر می‌گیرند بلکه از عضویت در اجتماع وسیع‌تر نیز آگاهند. جامعه‌ی نوین مرکز تعاملات روابط ارگانیکی به مفهوم دورکیمی است. در عین حال نوع دوستی شهروندان را به داشتن روابط با دیگر اعضا سوق می‌دهد و رفتار دگر دوستانه شخصیت افراد را از حالت بسته خارج می‌کند و آنها را به عنوان اعضای انتزاعی جامعه تغییر می‌دهد که فراتر از وابستگیان نزدیک است و دیگران هم‌نوع محور اصلی کنش‌هاست.

۸-۱- نظریه‌ی کنش مشارکتی مدلل^۱

به واسطه‌ی این که رفتار نوع دوستانه فراد در ارتباط با دیگران و در یک رابطه‌ی تعاملی صورت می‌گیرد، کنش مشارکتی یا اجتماعی هستند. از آنجا که اعمال نوع دوستانه آدم‌ها در ارتباط با دیگران و برای آنان رخ می‌دهد، نوعی کنش مشارکتی است که لزوماً نه تحت تأثیر جبرهای زیستی و نه اجتماعی است و نه بدون هدف و اراده و گاهی فراد صورت می‌گیرد بلکه هم به لحاظ نیت و هم به لحاظ پیامد هدفمند است؛ لذا جنبه‌های فردگرایانه و جنبه‌های جمع‌گرایانه در شکل‌گیری کنش‌های انسانی به یک اندازه مهم هستند. به منظور درک این که رفتارهای نوع دوستانه جزء کدام دسته از کنش‌های مشارکتی قرار می‌گیرند و هم‌چنین برای اجتناب از مغالطه‌های روش‌شناختی و با انهام از سنت پارسونزی در تفسیر کنش انسانی می‌توان به یک دیدگاه تلفیقی، که مبتنی بر ترکیب دیدگاه‌های تقابلی^۲ است، دست یافت. در این چارچوب نظریات و الگوهای مختلفی ارائه شده است که در اینجا به برخی از آنها که در تبیین کنش‌های نوع دوستانه انهام‌بخش است، اشاره می‌شود.

۸-۱-۱- مدل انتظار و فایده

از مهم‌ترین آن‌ها، مدل آیزن و فیش^۳ است که مبتنی بر نظریه کنش مدلل^۴ است. به نظر این علما، رفتارها در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آیند و حلقه‌ی ما قبل بروز رفتار، قصد و نیت برای انجام آن است. «نیات» تابعی از گرایش^۵ به سوی رفتار و هنجار ذهنی^۶ است. مطابق با این نظریه، رفتار افراد مبتنی بر دلایلی است که آنها به نتایج اعمال خود دارند و در نتیجه‌ی آن به انتخاب منطقی^۷ دست می‌زنند. عناصر این نظریه متشکل از دو بخش شخصی و

1 - Participatory reasoned action

2 - Dichotomous

3 - Reasoned action

4 - Attitude

5 - Subjective norms

6 - Rational choice

اجتماعی است؛ عنصر شخصی گرایش فرد است که خود تحت تأثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است. بخش اجتماعی شامل هنجار ذهنی و بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است و متأثر از دو متغیر انتظار دیگران، به ویژه دیگران مهم و نیز انگیزه یا پیروی از انتظارات دیگران است. این افراد یا گروه‌ها نقش انگیز را برای رفتار افراد ایفاء می‌کنند. (رفعی‌پور، ۱۳۶۵، ۸-۱۱)

رابرت دال (۱۳۶۲، ۳۱-۳۴) مدن انتظار و فایده را بسط داده که در ارتباط با کنش مشارکتی انسان‌دوستانه یا رفتارهای انسان دوستانه می‌توان قضایای زیر را مطرح کرد. به نظر وی فرد موقعی در امری مشارکت می‌کند که:

- مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف در مقایسه با سایر مکانیزم‌ها، مؤثرتر ارزیابی کند و به نتیجه خواهد رسید. در غیر این صورت تمایل چندانی در مشارکت در امور اجتماعی نخواهد داشت. مثلاً در حمایت از فقرای جامعه، اگر شخصی مکانیزم نیازمندان هم‌نوع را بهتر از مکانیزم‌های دیگر برای کاهش محرومیت و آلام دیگران تلقی کند، تمایل بیشتری برای کنش مشارکتی خیرخواهانه خواهد داشت.

- پاداش‌های (مادی و غیرمادی) حاصله از مشارکت برای وی از ارزش بالایی برخوردار باشد و با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی باشد. مثلاً اگر مردم در ارزشیابی‌های خود به این نتیجه برسند که از طریق کمک به فقرا نتایج چندانی عاید نخواهد شد یا اعتقاد به این امر نداشته باشند، آنها حاضر نخواهند بود حمایت از فقرا را از آن طریق دنبال کنند.

- فکر کند بدون مداخله آنها، نتایج برخی اقدامات و امور (مثلاً رستق و فتق امور دیگران) توسط دیگران چندان رضایت بخش نخواهد بود. تعهد و تمایل بیشتری برای مشارکت در آن امور خواهد داشت.

- فرد از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد؛ بنابراین، فردی که فکر کند دانش او در زمینه‌ای محدودتر است و با درگیر شدن در آن، عملاً به نتیجه‌ای

مناسب نخواهد رسید، ترجیح خواهد داد کمتر در آن مشارکت کند. این موضوع عمدتاً به جهل فرد به عبارتی از آگاهی فرد از جهل خود در زمینه خاصی مربوط می‌شود، مثلاً اگر فرد آگاهی کافی در مورد شرایط فقر و نیازمندی در جامعه نداشته باشد، بندرت نیت و عمل کمک به دیگران در او ایجاد خواهد شد.

• در ورود به مشارکت و یا در جریان مشارکت، خود را با مشکلات و موانع زیادی (مثل موانع بوروکراتیک و...) مواجه نبیند. در ارتباط با موضوع مورد بررسی ما، اگر قرار باشد کمک به نیازمندان از طریق سازمان‌ها و یا تشکلهایی فعال در امور انسان دوستانه صورت گیرد که بایستی مراحل مختلف اداری طی گردد، معمولاً افراد تمایل کمتری برای کمک از خود نشان خواهند داد.

۱-۸-۲- مدل تحلیلی روانی - اجتماعی سیلز

دیوید سیلز از نظر روانی - اجتماعی در پی تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت است، به نظر می‌رسد در کنار دیدگاه‌های مذکور، تبیین‌های مکمل و فراگیری را فراهم کند که برای بررسی تجربی رهنمود بخش است، به ویژه طبقه‌بندی وی از عوامل درهم تنیده روانی - اجتماعی الهام‌بخش مؤثری است. به نظر او: اولاً، افراد در متن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت و آموزش، باورها، مذهب و...) محاط شده‌اند؛ ثانیاً، تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندی‌ها و استعدادها موجب می‌شود که افراد از نظر آمادگی برای پاسخ دادن به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشد. تفاوت‌های شناختی (میزان آگاهی)، فیزیکی و مادی (اقتصادی) را اضافه کنیم که امکان عینی بروز کنش مشارکتی را فراهم می‌سازد. ثالثاً، تأثیر پیش شرط‌های اجتماعی و روانشناختی بر فعالیت اجتماعی افراد تا حدود زیادی بستگی به محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و سازمان‌های اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی دارد. بنا به عقیده سیلز، سه دسته متغیر به شدت با یکدیگر مرتبط و به هم آمیخته‌اند و هر تحلیلی که فقط مبتنی بر یکی از آنها باشد، گمراه کننده است. (محسنی تبریزی و موسوی‌نژاد، ۱۳۷۰، ص ۷)

۲. بررسی تجربی

این قسمت به روش‌شناسی شامل مفهوم کنش نوع دوستانه، فرضیه و مفاهیم مرتبط، روش مطالعه، جامعه آماری، جمعیت نمونه و امثالهم و همچنین مهم‌ترین یافته‌ها بررسی میدانی ارائه می‌شود.

۲-۱. روش‌شناسی

۲-۱-۱. مفهوم کنش نوع دوستانه

با توجه به مباحث نظری شاید بتوان گفت کنش‌های نوع دوستانه گونه‌ای خاص از کنش اجتماعی هستند که با دغدغه‌ی خاطر برای دیگران همراه است و غالباً آگاهانه و داوطلبانه است. در این کنش‌ها موضوع حرکت از نیست و قصد رفتاری به یک رفتار عینی، محور اساسی است. تحقق نیات علاوه بر وجود گرایش به عمل، مستلزم وجود عوامل دیگری از قبیل آگاهی از شرایط نیازمندی، دیدگاه افراد نسبت به این پدیده، نبود باورها و عوامل محدود کننده و داشتن مکان عینی کمک به دیگران هم‌نوع است که غالباً متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی و آموزه‌های مذهبی و امثالهم است. به عبارتی هر چند رفتارهای نوع دوستانه یک تصمیم ذهنی تلقی می‌شود، ولی همه آنها توسط باورها و شروط فرهنگی مشروط می‌شوند و جهت‌گیری آنها بر اساس الگوهای جمعی (قواعد، هنجارها و الگوهای اجتماعی) ساخت‌یابی نشده‌اند و از این رو، این رفتارها نتیجه‌ی سلسله عوامل روانی، اجتماعی و روانی اجتماعی است. هر چند برخی افراد در برخی جوامع در رفتارهای خیرخواهانه رضایت جانشینی مانند ایتار و فدکاری را مدنظر قرار دهند و در وهله اول اطرافیان، هم‌کیشان و امثالهم را جزء تعهدات (اخلاقی یا اجتماعی) خود بدانند؛ ولی در برخی دیگر تنگنانه‌های دگرخواهی صادقانه که ریشه در همدلی، اعتماد و همفکری دارد و دیگران به طور عام به مفهوم عام (هم‌نوع) مطرح است و در کمک به نیازمندان و حمایت از مستندان تأثیر بسزایی دارد.

۲-۱-۲- هدف و فرضیه

چنان که قبلاً اشاره شد، هدف این مقاله بررسی ماهیت رفتارهای نوع‌دوستانه و شناخت جهت آنهاست. با توجه به مباحث نظری فرض می‌شود که رفتارهای نوع‌دوستانه با متغیرها و عوامل زیر مرتبط باشند:

انگیزه‌های افراد (مذهبی، نوع‌دوستی)، شرایط اقتصادی و اجتماعی (تحصیلات، شغل، بعد خانوار و توان مالی) ویژگی‌های فردی (سن، جنس، تأهل) و باورها و اعتقادات (میزان مذهبی بودن، تقدیرگرایی) افراد؛ میزان آگاهی افراد از وضعیت فقر و نیازمندی‌آحاد جامعه؛ باور به نتیجه بخشی رفتارهای خیرخواهانه در رفع یا تخفیف آلام دیگران؛ اعتماد به دیگران (در اظهار نیاز) و به سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی جامعه؛ اعتقاد به عدم توانایی نهادهای رسمی یا دستگاه‌های حمایتی در رفع نیازمندی؛ موقعیت‌ها و وقایع از قبیل سوگواری، مسافرت، عید و بیماری.

۲-۱-۲- روش

با توجه به هدف تحقیق و ماهیت داده‌های موردنیاز از روش تحقیق میدانی استفاده شده است. اطلاعات از حدود ۱۷۰۰ نفر پاسخگو با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و از طریق مصاحبه و پرسشنامه با استفاده از فرمول کوکران از مراکز شش استان (تهران، مرکزی، یزد، اصفهان، گیلان و کرمانشاه) که براساس سطح‌بندی آنها از نظر میزان توسعه‌یافتگی انتخاب شده‌اند، جمع‌آوری شد.

پرسشنامه‌ی نهایی پس از مطالعه‌ی مقدماتی گویه‌های مربوط به مقیاس‌های مفاهیم فوق و یا نمونه‌ی ۵۰ نفری مورد آزمون قرار گرفتند. در این مرحله از محاسبه‌ی ضرایب آلفای کرونباخ به منظور تعیین روایی آنها برای بررسی نهایی انتخاب شدند و برخی پرسش‌ها یا گویه‌های مبهم و بدون همبستگی کافی یا دیگر گویه‌ها حذف شدند. از این رو، گویه‌های انتخاب شده برای هر یک از متغیرهای مورد بررسی، آلفایی بودند که دارای ضریب بالای ۰/۷۰ (معرف روایی بالا) بودند، از این رو، گویه‌های با ضریب پایین‌تر حذف شدند. از آماره‌های

مختلف مانند ضرایب همبستگی، آزمون F ، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره برای تحلیل روابط سود جسته شده است.

۲-۲-۱- توصیف ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی جمعیت نمونه

در این بخش، ابتدا توصیفی از ویژگی‌های جمعیت نمونه ارائه می‌شود، سپس به مهم‌ترین نتایج تحقیق و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. نظر به حجم زیاد داده‌ها، صرفاً برخی آمارها در قالب جداول آورده می‌شود و در بقیه موارد فقط نتیجه‌ی تجربه و تحلیل داده‌ها در متن اشاره می‌شود.

بررسی مشخصات فردی، اقتصادی و اجتماعی جمعیت نمونه نشان می‌دهد که نزدیک ۶۲ درصد از آنها را مردان و ۳۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهد. از نظر وضعیت تأهل، ۶۰ درصد از جمعیت نمونه را متأهلان و ۴۰ درصد را مجردان تشکیل می‌دهند.

از نظر بعد خانوار، حدود ۹۵ درصد از افراد نمونه را خانوارهای «۳ نفره و کمتر» و «۷-۴ نفره» تشکیل می‌دهد و هر کدام از این گروه‌های سنی حدود نیمی از افراد نمونه را شامل می‌شوند و تنها حدود ۵ درصد از جمعیت نمونه دارای خانوارهای «۸ نفر و به بالا» هستند.

با توجه به تحصیلات، ۴۱ درصد دارای دیپلم و پایین‌تر، ۵۴ درصد دارای فوق‌دیپلم و لیسانس و تنها ۴.۵ درصد دارای «فوق لیسانس یا بالاتر» هستند.

از نظر شغلی، حدود ۲۳ درصد از جمعیت نمونه را مشاغل سطح پایین، حدود ۳۳ درصد را مشاغل سطح متوسط، تنها ۴/۵ درصد را مشاغل رده‌ی بالا و ۳۳ درصد دیگر را افراد خانه‌دار، سرباز و... تشکیل می‌دهد.

از نظر وضعیت اقتصادی، ۵۱ درصد از افراد نمونه خود را در سطح پایین، ۳۸ درصد در سطح متوسط و نزدیک ۱۰ درصد در سطح بالا قرار دادند.

۲-۲-۲- مشارکت در کمک به هم‌نوع

مشارکت در کمک به هم‌نوع یا گروه‌های در محورهایی چون میزان کمک به نیازمندان جامعه (کمک‌های نقدی و غیرنقدی)، میزان کمک در طی دوره‌های

زمانی خاص (مثلاً سال گذشته، ماه گذشته) و میزان کمک سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های مطالعه، که نتایج آن در جدول ۱ منعکس شده است، نشان می‌دهد که درباره کمک به هم‌نوعان نیازمند، حدود ۲۰ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که همیشه (مشارکت بالا) به هم‌نوعان می‌کنند، ۳۵ درصد گفتند که گاه‌گاهی (به‌طور متوسط) کمک می‌کنند و ۴۵ درصد نیز ابراز کردند بندرت اتفاق می‌افتد که به دیگران کمک کنند. ۵۰ درصد انگیزه‌های بشردوستانه و مذهبی، ۳۰ درصد ترحم و دلسوزی و ۲۰ درصد مسؤولیت و تعهدات اجتماعی را به عنوان محرک اصلی در کمک به هم‌نوعان تأکید کردند. هم‌چنان که اشاره خواهد شد، معمولاً گرایش به نوع‌دوستی با انگیزه‌های عام‌گرایانه (انسان‌دوستانه و تعهد اجتماعی) در مناطق مرفه‌تر بیشتر است.

بررسی روابط بین ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان با رفتارهای انسان‌دوستانه خیرخواهانه آنان نشان داد که متغیرهای جنس و سن، رابطه معناداری از نظر آماری با رفتار انسان‌دوستانه افراد ندارند و این رابطه از نظر شدت، ضعیف و از نظر جهت، منفی است که بیانگر گرایش بیشتر پاسخگویان مرد به مشارکت در امور نوع‌دوستانه نسبت به زنان است. با توجه به متغیرهای سطح تحصیلات و وضعیت تأهل، تحلیل داده‌ها رابطه معناداری از نظر آماری با رفتار نیکوخواهانه پاسخگویان نشان می‌دهد، ولی مقدار پیوستگی برای هر دو متغیر منفی و ضعیف نمایان می‌سازد. به عبارتی می‌توان گفت که هر چند متغیر تحصیلات در کنش نوع‌دوستانه افراد مهم است، ولی در بین جمعیت نمونه، افراد با تحصیلات بالا و متأهل گرایش نه‌چندان زیادی را در مشارکت در امور نوع‌دوستانه از خود نشان می‌دهند و این گرایش نیز چندان مهم نیست. بدین مفهوم که لزوماً این گونه نیست که تنها افراد مجرد و تحصیلات‌اندک به هم‌نوعان کمک می‌کنند. از نظر بعد خانوار، در کل جمعیت نمونه رابطه معناداری از نظر آماری بین رفتار نوع‌دوستانه و بعد خانوار مشاهده می‌شود، به طوری که

این رابطه منفی و در حد متوسط است. بدین معنی که خانوارهای پرتعداد، مشارکت کمتری در مقایسه به خانوارهای کم تعداد در کمک به دیگران دارند. هم چنین، تحلیل داده‌ها رابطه معنی داری را از نظر آماری با کنش نوع دوستانه نشان می‌دهد، به طوری که مقدار پیوستگی این رابطه را مثبت و قوی ارزیابی می‌دهد که بیانگر تأثیر قابل ملاحظه وضعیت اقتصادی پاسخگویان برای کنش نوع دوستانه آنان است.

جدول ۱ - توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت در امور نوع دوستانه و تحلیل روابط

آن با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان

مقدار پیوستگی	معناداری	متغیرها	درصد فراوانی	میزان مشارکت در امور نوع دوستانه
-۰۲۵	۳۴۲	جنس	۲۵۰۲	پایین
۰۰۸	۴۶۱	سن	۳۴۰۶	متوسط
۰۰۳	-۰۶۶	تحصیلات	۲۰	بالا
۳۵۷	-۰۰۹	بعد خانوار	۱۷۰۰	تعداد
۰۰۰	-۰۹۵	قاهل		

۲-۲-۳- باورهای مذهبی و نوع دوستی

مذهبی بودن در این مطالعه به اجرای اوامر و دستورها و توصیه‌های مذهبی اشاره می‌کند. در مطالعه حاضر با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد مذهب خصوصاً در ایران (برای مثال: سراج‌زاده ۱۳۷۷، رجب‌زاده ۱۳۷۷) و پس از بررسی‌های مقدماتی با توجه به هدف تحقیق تعداد معدودی از معرف‌ها برای مطالعه زمینه‌های مذهبی انتخاب شدند که عبارتند از: اولویت‌بندی افراد در هزینه کردن پول و درآمد خود در صورت داشتن مقدار قابل توجهی پول در اموری چون (۱) زیارت اماکن مقدسه (۲) کمک به نیازمندان، (۳) خرید مسکن و سیاحت. فرض بر این بود که انتخاب مورد ۱ بیشتر مذهبی، مورد ۲ مذهبی بودن

(به طور متوسط) و موارد دیگر کمتر مذهبی پاسخگویان را نشان می‌دهد. همچنین در کار این معرف‌ها، معرف‌های دیگری چون میزان مقید بودن به «نذر و نیاز» و «رعایت واجبات و مستحبات و ترک محرمات» مورد بررسی قرار گرفتند. بررسی معلوم ساخت که حدود ۶۱ درصد آنان خود را از نظر مذهبی بودن در سطح متوسط، ۲۶ درصد پایین و ۱۲.۵ درصد خیلی مذهبی ارزیابی کردند. با توجه به گرایش پاسخگویان به موارد هزینه در صورت داشتن تمکن مالی، نزدیک ۸۰ درصد کمک به هم‌نوعان و زیارت اماکن مذهبی را به عنوان اولویت هزینه ذکر می‌کنند. از نظر اعتقاد به نذر و نیاز ۶۵ درصد اعتقاد زیاد و ۱۷.۵ درصد اعتقاد متوسطی را ابراز کردند. با عنایت به گرایش، به نظر می‌رسد رضایت جانشینی، نقش قابل توجهی در کمک به هم‌نوعان داشته باشد. از نظر آماری رابطه معناداری میان مشارکت در امور نوع‌دوستانه و مذهبی بودن وجود دارد. مقدار پیوستگی این رابطه را مثبت و در حد متوسط نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت نتیجه تحلیل داده‌ها، تأثیر مذهبی بودن را بر مشارکت تأیید می‌کند. از سوی دیگر این نظر را که مذهب می‌تواند نقش قاطعی را در کنش مشارکتی افراد بازی کند با قاطعیت تأیید نمی‌کند و احتمال تأثیر عوامل و انگیزه‌های دیگر از جمله انسان‌دوستانه را رد نمی‌کند (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مذهبی بودن و تحلیل روابط آن با کنش‌های نوع‌دوستانه آنان

متغیرها	تعداد	درصد	معناداری	مقدار پیوستگی
مذهبی بودن				۰.۳۳۶
پایین	۴۴۴	۲۶.۲		
متوسط	۱۰۲۳	۶۱.۱		
بالا	۲۱۳	۱۲.۵		

۲-۲-۴- تقدیرگرایی و نوع دوستی

تقدیرگرایی مبتنی بر باوری است که وقایع و امور به وسیله سرنوشت تعیین شده‌اند و آنچه هست و رخ می‌دهد، اجتناب‌ناپذیر و از پیش تعیین شده است و تلاش و اراده‌ی بشری در جهت دادن یا ایجاد آنها نقشی ندارد. با الهام از تحقیقات و مقیاس‌های توصیه شده برای سنجش قدرگرایی و بی‌قدرتی (میلر، ۱۹۸۰) و پس از بررسی‌های مقدماتی، گویسه‌هایی در محورهایی چون: «نظر پاسخگویان بر تعیین سرنوشت فرد قبل از تولد»، «نظر پاسخگویان در مورد توانایی فرد در تغییر سرنوشت خود»، «نظر پاسخگویان در مورد بخت و شانس» انتخاب شدند.

یافته‌ها حاکی از گرایش قابل توجه پاسخگویان به تقدیرگرایی است. برای مثال، بیش از ۴۶ درصد از پاسخگویان اعتقاد زیاد، حدود ۳۸ درصد اعتقاد در حد متوسط و حدود ۱۶ درصد اعتقاد اندک به سرنوشت دارند. تحلیل داده‌ها، رابطه میان متغیر تقدیرگرایی و کنش نوع‌دوستانه از نظر آماری معنادار نشان می‌دهد و ضریب پیوستگی، میزان ارتباط را در حد متوسط و جهت آن را منفی نشان می‌دهد. این بدین مفهوم است که تقدیرگرایی بالا بیشتر با مشارکت اندک در کمک به نیازمندان ملازمت دارد (جدول ۳).

جدول ۳ - توزیع پاسخگویان بر حسب تقدیرگرایی و تحلیل روابط آن با کنش‌های

نوع‌دوستانه آنان

متغیرها	تعداد	درصد	معناداری	مقدار پیوستگی
تقدیرگرایی			۰۲۸	۰۲۴۶
پایین	۲۷۱	۱۵۸		
متوسط	۶۴۸	۳۷۹		
بالا	۷۹۱	۴۶۲		

۲-۲-۴- آگاهی از مشکلات اقتصادی و نوع دوستی

آگاهی: فرض بر اینست که دانش و اطلاع از وضعیت و شرایط، مقدم بر کنش مشارکتی افراد در موارد مختلف از جمله کمک به هم‌نوعان است. در اینجا میزان آگاهی از مسایل و مشکلات جامعه و شرایط فقر و نیازمندی در جامعه مدنظر بوده است که از طریق «ارزیابی پاسخگویان از قرار گرفتن بیشتر مردم در طبقات مختلف (بالا، متوسط و پایین)» و «دیدگاه پاسخگویان در مورد روند فرایند فقر و قطبی شدن جامعه به مفهوم افزایش شکاف میان فقیر و غنی» در قالب گویه‌هایی تعبیه گردید.

بررسی معلوم می‌دارد که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان آگاهی‌شان در مورد مسایل و مشکلات مردم خصوصاً مسایل اقتصادی‌شان زیاد یا متوسط و ۴۰ درصد اندک بوده است. در کل جمعیت نمونه رابطه میان آگاهی از مشکلات و میزان مشارکت از نظر آماری معنادار و قابل توجه است که می‌تواند تأییدی بر تأثیر امکان عینی بر کمک به دیگران باشد (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آگاهی از مشکلات و تحلیل روابط آن با

کنش‌های نوع‌دوستانه آنان

متغیرها	تعداد	درصد	معناداری	مقدار پیوستگی
آگاهی از مشکلات				۰/۷۴۰
پایین	۱۱۱	۶/۵		
متوسط	۵۵۷	۳۲/۶		
بالا	۱۰۲	۶۰/۹		

۱- انتخاب این مقولات مبتنی بر شواهد، آماری بررسی هزینه و درآمد خانوار و مطالعاتی (مرکز آمار ایران ۱۳۶۱، ۱۳۶۷، ۱۳۸۰) که در دهه‌های گذشته انجام شده و بیانگر افزایش فقر و فاصله فزاینده بین فقرا و اغنیاست. (نخجوانی، ۱۳۸۱).

۲-۲-۵- باور به عدم توانایی نهادهای رسمی به رفع نیازمندی و نوع دوستی حدود ۸۶ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند که سازمان‌های فعال در امور نوع دوستانه توانایی پوشش تمام افراد جامعه را ندارند یا کمک‌های آنها به حدی نیست که بتواند در رفع نیاز نیازمندان کاملاً مؤثر باشد. همین طور بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان بر این باورند که کمک‌های آنان یا کمک‌های مردم در برطرف کردن آلام و نیازهای دیگران مؤثر است. هر دو این مقولات رابطه‌ی معنادار و بالایی را با متغیر مشارکت در امور نوع دوستانه آشکار می‌سازند (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آگاهی از مشکلات و تحلیل روابط آن با کنش‌های نوع دوستانه آنان

متغیرها	تعداد	درصد	معناداری	مقدار پیوستگی
عدم پوشش سازمان‌های حمایتی				۰/۵۱۲
پایین	۲۷۰	۱۶		
متوسط	۵۱۳	۳۰		
بالا	۹۵۷	۵۶		

۲-۲-۶- اعتماد به دیگران (مردم و نهادهای خیریه‌ای) و نوع دوستی اعتماد به مفهوم وثوق و اطمینان به دیگری یا دیگران، خصوصاً به لحاظ اطمینان از صحت ابراز نیاز و مقصر نبودن فرد در شرایط نیازمندی وی، است. این مفهوم روش‌های زیر بررسی شده است: الف - درجه اعتماد پاسخگو به دیگران (مردم) که در قالب مقیاسی مشتمل بر گویه‌هایی ششگانه پس از آزمون مقدماتی انتخاب و بررسی شدند که عبارتند از: «این روزها به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که واقعاً به او اعتماد کرد»؛ «وقتی خوب فکر می‌کنی می‌بینی

کسانی که می‌توانی به آنها اعتماد کنی اندکند؛ «اکثر مردم قابل اعتمادند»؛ «عموماً می‌توان به غریبه‌ها اعتماد کرد»؛ «اکثر مردم در بیان نیاز به دیگران درستکار و صادقند» و «خیلی‌ها فقط از آن رو با تو دوستند که چیزی از تو می‌خواهند».

ب- میزان اعتماد به دستگاه‌های حمایتی از قبیل بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، خیریه‌های مساجد و مؤسسات عام‌المنفعه بررسی شده است.

با توجه به متغیر اعتماد به مردم، ۴۳/۴ درصد از آنان اعتماد زیاد، ۳۴/۵ درصد اعتماد نه چندان زیاد و ۲۳/۱ درصد اعتمادی اندک به آنان دارند. بر اساس داده‌ها می‌توان گفت که افراد نمونه تا حد قابل توجهی نسبت به دیگران، به ویژه در بیان نیازشان، خوشبین هستند. از نظر اعتماد به دستگاه‌های حمایتی، به واسطه کمک به نیازمندان از طریق آنان، بالاترین درصد اعتماد پاسخگویان، به ترتیب به مساجد و خیریه‌ها ۵۱/۴ درصد، به کمیته امداد ۴۱/۱ درصد، به سازمان بهزیستی ۲۶/۷ درصد و به بنیاد پانزده خرداد ۲۳/۹ است. تحلیل روابط میان اعتماد و کنش نوع‌دوستانه پاسخگویان نیز حاکی از وجود همبستگی مثبت و نسبتاً قوی میان اعتماد به مردم و همبستگی ضعیف در مورد دستگاه‌های حمایتی نمایان است که می‌تواند بدین مفهوم باشد که افراد نمونه به این دستگاه‌ها چندان اعتمادی ندارند (جدول ۶).

جدول ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به دیگران و تحلیل روابط آن با کنش‌های نوع‌دوستانه آنان

متغیرها	تعداد	درصد	معناداری	مقدار پیوستگی
اعتماد به دیگران			۱۰۰۱	۰.۴۴۳
پایین	۳۹۵	۲۳/۱		
متوسط	۵۹۷	۳۴/۵		
بالا	۷۲۵	۲۴/۴		

۷-۲-۲- مشارکت انجمنی و نوع دوستی

مشارکت انجمنی به مفهوم مشارکت در مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی از قبیل عضویت در انجمن‌ها، شوراها، کانون‌ها یا همکاری با ارگان‌ها و نهادهای اجتماعی؛ شرکت در مجالس مذهبی مدنظر این پژوهش است. فرض بر این بود که افراد مشارکت‌جو بیشتر به امور نوع‌دوستانه علاقه نشان می‌دهند. بررسی نشان می‌دهد که بیش از ۷۵ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی (انجمنی) اندکی در سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی داشتند که خود حاکی از ضعف جامعه مدنی است؛ زیرا زمینه چندان مساعدی را برای مشارکت فعال افراد در انجمن‌ها و مؤسسات مدنی نگذاشته است. در بین فعالیت‌های فوق‌الذکر، اغلب پاسخگویان اظهار داشتند که در فعالیت مذهبی و عبادی شرکت دارند. هر چند تحلیل داده‌ها همبستگی میان مشارکت انجمنی و کنش نوع‌دوستانه رابطه‌ی مثبتی نشان می‌دهد، ولی این رابطه ضعیف است و دال بر این واقعیت که فعالیت‌های نوع‌دوستانه پاسخگویان لزوماً از مشارکت انجمنی آنان تأثیر نمی‌پذیرد (جدول ۷).

جدول ۷: توزیع پاسخگویان بر حسب مشارکت انجمنی و تحلیل روابط آن با کنش‌های نوع‌دوستانه آنان

مقدار پیوستگی	معناداری	درصد	تعداد	متغیرها
۱۰۳۲	۴۱۵			مشارکت انجمنی
		۷۵/۷	۱۳۰	پایین
		۱۹/۴	۳۳۲	متوسط
		۴/۹	۸۳۸	بالا

۷-۲-۲- موقعیت‌ها و وقایع

موقعیت‌ها و وقایع به وضعیت‌های اشاره دارد که فرد با آن روبه رو می‌شود و سبب برانگیخته شدن فرد در کمک به امر نوع‌دوستانه می‌شود که در اینجا به لحاظ اهمیت، موقعیت‌های سوگواری، مسافرت، عید و بیماری در قالب پرسشی به صورت مقایسه‌ای از پاسخگویان پرسیده شد. داده‌ها نشان می‌دهد ۴۲ درصد در موقع سوگواری، ۲۸ درصد در مسافرت، نزدیک ۲۷ درصد در عید و ۳/۲ درصد در زمان بیماری کمک کردند و این ایام را مؤثر و مهم می‌دانند. این موقعیت‌ها رابطه‌ی معناداری را از نظر آماری نشان می‌دهد و دارای همبستگی مثبت و قابل ملاحظه‌ای با رفتارهای حمایتی است (جدول ۸).

جدول ۸: توزیع پاسخگویان بر حسب موقعیت‌ها و وقایع و تحلیل روابط آن با کنش‌های

نوع‌دوستانه آنان

متغیرها	تعداد	درصد	معناداری	مقدار پیوستگی
موقعیت و وقایع			/۰۰۰	.۳۳۰
پایین	۷۱۸	۴۲		
متوسط	۴۷۹	۲۸		
بالا	۴۷۹	۲۸		

۳-۲- جهت و ماهیت کنش‌های نوع‌دوستانه

موضوعی که در خصوص رفتارهای نوع‌دوستانه مطرح می‌شود، جهت‌گیری و ماهیت این کنش‌هاست. بدین معنی که آیا این رفتارها از خصلت خاص‌گرایانه مانند کمک به درون‌گروه‌ها (خویشان، دوستان و...) یا عام‌گرایانه مانند کمک به دیگران عام (انسان‌ها) تبعیت می‌کند، با بهره‌گیری از مقیاس‌های پیشنهاد شده توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی (میلر، ۱۳۸۰، شوسلر، ۱۹۸۲) و تحقیقات انجام شده در ایران (وزارت ارشاد، ۱۳۸۳) و مطالعه مقدماتی با گویه‌هایی در

محورهای زیر برای بررسی انتخاب شد: «ابتدا نیاز خود بعد دیگران»، «کمک صرف به خویشاوندان»، «موظف بودن مردم به کمک به نیازمندان علیرغم کمک دولت»، «کمک به دیگران نیازمند در هر نقطه از جهان صرفنظر از مذهب، ملیت و صرفاً به خاطر اهداف انسان‌دوستانه»، «مسئولیت فردی در برآوردن نیاز خویش و عدم توقع از دیگران»، «وجود سازمان‌های حمایتی (دولتی) و عدم نیاز به درخواست کمک از مردم».

بررسی جهت رفتارهای نوع دوستانه نشان می‌دهد که: اولاً، گرایش‌های عام‌گرایانه عموماً در کلیه مناطق قابل توجه است. ثانیاً، گرایش به رفتار عام‌گرایانه در استان‌های توسعه یافته نسبت به مناطق کمتر توسعه یافته بیشتر است. تحلیل داده‌ها نیز ارتباط میان توسعه یافتگی و جهت رفتارهای دگردوستانه معنادار نشان می‌دهد و این ارتباط نسبتاً قابل توجه و مثبت است (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب جهت رفتارهای نوع دوستانه و منطقه (توسعه یافتگی)

معداری مقدار بیوستگی	کرمانشاه	گیلان	مرکزی	یزد	اصفهان	تهران	رده‌بندی بر اساس توسعه یافتگی
۰/۰۰ ۱۴۳۱	۴۰/۵	۳۷/۴	۴۸/۱	۵۳/۷	۶۲/۱	۶۷/۲	عام‌گرایانه (۱)
	۶۶/۶	۵۱/۸	۴۸/۱	۴۶/۳	۶۱/۹	۳۸/۸	خاص‌گرایانه (۲)
	۲۰/۲	۱۴/۲	۱۲/۸	۱۷/۶	۴۴/۲	۵۷/۶	تعداد

نتیجه‌گیری

ویژگی عام رفتارهای نوع دوستانه از نظر شیوع و رواج آنها در جوامع مختلف ممکن است در ابتدا این باور را مطرح کند که آنها دارای ماهیتی ذاتی، فطری و غریزی و بیولوژیک هستند که ما را به طرف شرایطی هدایت می‌کنند که در آن شرایط شانس بیشتری برای ادامه حیات اجتماعی وجود خواهد داشت. با وجود این، خصلت متغیر رفتارهای نوع دوستانه با توجه به درجه، نوع و نحوه‌ی

بروز آنها بر حسب افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف این ایده‌ها را تقویت می‌کند که بیش از همه‌ی آنها دارای ماهیتی ارادی هستند و به تبع آن از عوامل متعدد فردی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرند؛ از این رو، برای تبیین کنش‌های نوع‌دوستانه می‌بایست انگیزه‌ها و عوامل متعدد و در هم تنیده‌ی روانی - اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. هم‌چنین، ماهیت ارادی و اجتماعی این نوع کنش‌ها به لحاظ روش‌شناختی ما را هدایت می‌کند تا برای تفسیر واقع‌بینانه‌تر، آنها را از سنخ کنش‌های مدلل بدانیم و از دیدگاه‌های تلفیقی بهره بگیریم.

با الهام از این سنت فکری، این مقاله کنش‌های انسان‌دوستانه از نوع کمک به دیگران (نیازمند) با توجه به عوامل و انگیزه‌های مؤثر در بروز آنها و هم‌چنین جهت آنها مورد بررسی قرار داد که مهم‌ترین نتایج آن در محورهای زیر مورد بحث قرار داد:

برخلاف تصور رایج، تفاوت در ویژگی‌های فردی (چون جنس، سن و تأهل) چندان تأثیری را در بروز رفتار نوع‌دوستانه افراد مورد بررسی نشان نداد. این رابطه تا حد زیادی در مورد افراد با رده‌های شغلی و سطوح مختلف تحصیلی نیز مشاهده شد. به عبارتی چندان تفاوتی میان افراد به لحاظ شغل و تحصیلات متفاوت در کمک به دیگران نیازمند وجود ندارد. آنهایی که دارای بعد خانوار بزرگتر بودند، تمایل کمتری را برای کمک به دیگران نشان دادند و این موضوع احتمالاً به خاطر اینست که با بالا رفتن وسعت بعد خانوار شرایط عینی (مادی) لازم برای کمک تحت شعاع هزینه‌های خانوار قرار می‌گیرد.

هر چند انطباق نظام ارزشی و هنجاری با رفتارهای نوع‌دوستانه یک عامل اساسی در شکل‌گیری تبادل‌ات گرم و عاطفی میان اعضای جامعه تلقی می‌شود و در این میان، مذهبی بودن بعنوان یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار در رفتارهای خیرخواهانه مورد تأکید قرار می‌گیرد، ولی لزوماً این گونه نیست که اعمال

نیکوخواهانه منحصر به افراد مذهبی باشد. با این حال، یافته‌ها رابطه‌ی معکوس میان تقدیرگرایی و رفتارهای نوع دوستانه را مورد تأیید قرار داد. برخلاف متغیرهای فوق که ارتباط چندان قوی را با رفتارهای خیرخواهانه آشکار نمی‌سازد، متغیرهایی چون «اعتقاد به مؤثر بودن کمک‌ها»، «آگاهی از مشکلات معیشتی مردم»، «توسعه یافتگی»، «وضعیت اقتصادی»، «عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی»، «موقعیت‌ها و وقایع (مانند سوگواری، مسافرت، عید)»، «میزان اعتماد به دیگران (در نیاز به کمک)» به ترتیب بیشترین تأثیر را، با توجه به میزان تأثیر (مثبت)، بر رفتار حمایتی (بر اساس ضرایب بتا) داشتند. این یافته‌ها تا حد زیادی قضایای رابرت دال را در زمینه‌ی رفتار مشارکتی تأیید می‌کند.

نکته‌ی قابل ذکر این‌که، یافته‌های تحقیق جهت عام‌گرایانه رفتارهای نوع دوستانه را با درجه‌ی توسعه یافتگی مناطق مورد تأیید قرار داد. با وجود این، با عنایت به این‌که در میان مناطق مورد بررسی، رفتارهای نوع دوستانه گرایش به عام‌گرایی دارد، در عین حال گرایش خاص‌گرایی در جمعیت نمونه نیز قابل توجه است. به علاوه، با توجه به نقش باورهای قدرگرایی و انگیزه‌های مذهبی، که بخشی از آنها در اعتقاد به نذر و نیاز انعکاس پیدا می‌کند، می‌توان گفت که رضایت‌جانشینی مبتنی بر ایثار و فداکاری هنوز در جامعه آماری مورد مطالعه، نقش قابل ملاحظه‌ای در کمک‌های نوع دوستانه ایفا می‌کنند.

منابع و مأخذ

- محسنی تبریزی، علیرضا و سید ابراهیم موسوی‌نژاد (۱۳۷۰) بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان در ارتباط با نظام آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی، وزارت جهادسازندگی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.

- معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی کمیته امداد (۱۳۷۳) بررسی تأثیر حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر عزت نفس فرزندان تحت پوشش، تهران، انتشارات کمیته امداد.

- رجب‌زاده احمد (۱۳۷۷) «حیات دینی خانوار در شهر تهران»، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.

- سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی (۱۳۷۵) سطح‌بندی استان‌های کشور در سال ۱۳۷۵ و مقایسه آن با نتایج سطح‌بندی سال‌های ۱۳۷۲، ۱۳۶۷-۱۳۵۵، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی، نشریه شماره ۲۱۱.

- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۷۷) «نگرش‌ها و رفتار دینی نوجوانان تهرانی»، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.

- طالبان محمدرضا (۱۳۷۷) «سنجش دینداری جوانان»، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.

- Elster, J. (1990) *The Cement of Society: A Study of Social Order*, Cambridge, Cambridge University Press.

- Blau, P. (1961) *Exchange and Power in Social Life*. New Brunswick, NJ: Transaction Publications.

- Kaplan-Sadock (1990) *Clinical Psychiatry*, one Edition.

- Leonard, P. (1997) *Postmodern Welfare*, London, Sage.

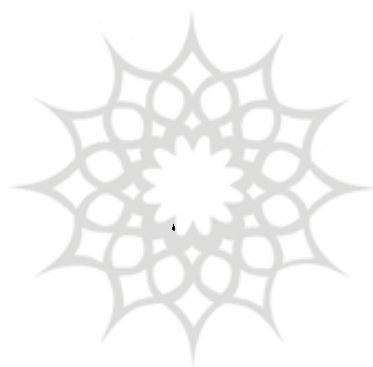
- Myers, D. (1988) *Social Psychology*, Second Edition.

- Page, R. (1996) *Altruism and the British Welfare State*, Aldershot, Avebury.

- Rahman. M.D. Anisur(1993) *People's Self Development*, London, Zed book.

- Wuthnow, R. (1991) *Acts of Compassion, Caring for Others and Helping Ourselves*, Princeton, Princeton University Press.

- Zokaei, S. (1999) *Altruism and Citizenship*, (PhD Thesis), University of Sheffield, UK.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی